

## بررسی امکان صدور قراردادهای منع دعوی در حقوق اتحادیه اروپا، چین و ایران

(مقاله علمی-پژوهشی)

محمد مجد کابری \*

اعظم انصاری \*\*

عبدالله خدابخشی \*\*\*

رضا معبودی نیشابوری \*\*\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۸

### چکیده

قرار منع دعوی یک نهاد زاییده سنت نظام «کامن‌لا» است که با هدف منع یک طرف اختلاف از اقامه دعوا یا پیگیری آن در یک دادگاه خارجی صادر می‌شود. اگرچه قرار منع دعوا علیه خواهان دعوی اقامه شده در دادگاه خارجی و نه علیه دادگاه خارجی صادر می‌شود، نظام‌های حقوقی رومی‌ژرمنی دیدگاه بدبینانه‌ای به آن دارند؛ زیرا چنین قراری با مداخله در حاکمیت یک کشور دیگر، نزاکت بین‌المللی را نقض می‌کند. هدف این نوشتار بررسی امکان صدور قرار منع دعوی در حقوق اتحادیه اروپا، حقوق چین و حقوق ایران است. این مقاله نشان می‌دهد که مطابق حقوق اتحادیه اروپا، دادگاه‌های کشورهای عضو از صدور چنین قراری علیه خواهان دعوا در یک کشور عضو دیگر اتحادیه ممنوع هستند. با این حال، دادگاه‌های کشورهای عضو در صورتی که مطابق حقوق داخلی خود توانایی صدور چنین قراری داشته باشند، می‌توانند قرار مزبور را علیه خواهان یک دعوا در دادگاه کشور ثالث صادر کنند. در چین دادگاه‌ها اجازه صدور چنین قراری را ندارند؛ با این حال، اخیراً برخی دادگاه‌های چین قرار مزبور را علیه خواهان‌ها در دادگاه‌های خارجی صادر کرده‌اند. در حقوق ایران نیز دادگاه‌های ایرانی می‌توانند در برخی اوضاع و احوال علیه طرف دعوی در دادگاه خارجی، قرار منع دعوا صادر کنند.

### کلید واژگان:

اعتماد متقابل، دادرسی موازی، دادگاه خارجی، صلاحیت انحصاری، نزاکت بین‌المللی.

\* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد  
kabry.mo@mail.um.ac.ir

\*\* استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)  
aansari@um.ac.ir

\*\*\* استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد  
dr\_khodabakhshi@um.ac.ir

\*\*\*\* استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد  
maboudi@um.ac.ir

## مقدمه

در موردی که اختلافی راجع به یک رابطه حقوقی بین‌المللی رخ می‌دهد، یکی از طرفین اختلاف ممکن است دعوایی را در دادگاه یک کشور اقامه کند و سپس خوانده بکوشد تا همان دعوی یا دعوای مرتبط با آن را در دادگاه کشور دیگری مطرح کند. دلیل طرح دعوی دوم ممکن است تغییر قانون حاکم باشد، زیرا تعیین دادگاه صالح، بر قانون حاکم بر اختلاف اثر می‌گذارد و در نتیجه با تغییر دادگاه رسیدگی‌کننده به اختلاف، ممکن است نتیجه دعوا کاملاً تغییر کند. به همین دلیل، خواننده دعوی اول ممکن است ترجیح دهد در دادگاه کشور دیگری اقامه دعوی کند. همچنین ممکن است هدف خوانده از اقامه دعوی در کشور دیگر ضرر رساندن به خواهان یا آزار وی باشد. با این توضیح که اقامه دعوی دوم در کشور دیگر ممکن است منجر به صدور رأیی شود و در نتیجه، از اجرای رأی دادگاهی که دعوی اول در آن مطرح شده، جلوگیری شود.<sup>۱</sup> در این‌گونه موارد مسئله دادرسی موازی در دعاوی بین‌المللی به وجود می‌آید که یکی از راهکارهای مقابله با آن در حقوق کشورهای کامن‌لا صدور «قرار منع دعوی»<sup>۲</sup> است. دادگاه‌های کشورهای کامن‌لا می‌توانند قرار منع دعوی صادر کنند تا طرف اختلاف را از اقامه دعوی یا پیگیری آن در دادگاه کشور دیگری منع کنند. در مقابل کشورهای خانواده حقوقی رومی ژرمنی چنین قراری را تجاوز به صلاحیت دادگاه‌های خود و در نتیجه، مخالف با حاکمیت دولت می‌دانند و به‌شدت با سنت کامن‌لا در خصوص صدور چنین قراری مخالف هستند. این نوشتار به قرارهای منع دعوی که از دادگاه‌های ملی یک کشور علیه طرف دعوی در دادگاه ملی کشوری دیگر صادر می‌شود، اختصاص دارد. از این رو، قرارهای منع دعوی که در جهت حمایت از داوری از دادگاه‌های ملی و دیوان‌های داوری صادر می‌شوند، مورد بحث نیست.<sup>۳</sup> هدف این پژوهش تبیین رویکرد نظام‌های حقوقی اتحادیه اروپا و چین درباره امکان صدور قرار منع دعوی

۱. برای مثال، در بند ۵ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ایران یکی از شرایط شناسایی و اجرای احکام خارجی در ایران این است که «از دادگاه‌های ایران حکمی مخالف دادگاه خارجی صادر نشده باشد».

2. Anti-suit injunction

۳. برای مطالعه در این خصوص رک: سربازیان، مجید؛ هاشمی، سیدرضا و صالحی، مذکور. آثار صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا در داوری تجاری بین‌المللی. مجله حقوق خصوصی، ۱۳۹۸، الف، شماره ۲، صص ۳۸۹-۴۱۱ و سربازیان، مجید؛ هاشمی، سیدرضا و صالحی، مذکور. قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا صادره از دادگاه‌های ملی در داوری تجاری بین‌المللی. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۱۳۹۸، ب، شماره ۲۶، صص ۲۱۲-۱۸۵.

است. پژوهش حاضر به سه بخش تقسیم می‌شود: در بخش اول، تعریف، مفهوم و دلایل صدور قرار منع دعوی از سوی کشورهای کامن‌لا بیان می‌شود. در بخش دوم، مسئله صدور قرار منع دعوی از سوی دادگاه‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا و دادگاه‌های چین بررسی می‌شود. در ابتدا حقوق اتحادیه اروپا و سپس حقوق چین واکاوی می‌شود. در ادامه، رویکرد نظام حقوقی ایران در این زمینه تبیین و در پایان نتیجه‌ای از مباحث مطرح‌شده ارائه می‌شود.

### ۱. تعریف، مفهوم و دلایل صدور قرار منع دعوی

در حقوق کشورهای کامن‌لا قرار منع دعوی همچون ابزاری برای جلوگیری از دادرسی موازی استفاده می‌شود. از لحاظ تاریخی در حقوق انگلستان، در ابتدا قرارهای منع دعوی از سوی برخی دادگاه‌های انگلستان علیه برخی دیگر از دادگاه‌های انگلستان استفاده می‌شد. سپس، قلمروی اعمال آن به اسکاتلند، ایرلند و مستعمرات بریتانیا و بعد به سایر نقاط جهان گسترش یافت.<sup>۱</sup> همچنین در ایالات متحده آمریکا، قرارهای منع دعوی به‌مثابه ابزار داخلی برای محدود کردن دادرسی‌های موازی بین دادگاه‌های ایالت‌های مختلف استفاده می‌شد و البته، متعاقباً در دعاوی خارجی نیز به کار می‌رفت. در قرن نوزدهم، دیوان عالی توانایی دادگاه‌های ایالات متحده را برای منع اشخاص از اقامه یا پیگیری هر دعوایی در خارج از کشور، به رسمیت شناخت.<sup>۲</sup> در تعریف قرار منع دعوی می‌توان گفت دستوری است که از دادگاه یک کشور، علیه یک طرف دعوا صادر می‌شود تا وی را از اقامه دعوا در کشوری دیگر منع کند یا او را به عدم پیگیری دعوی مزبور در آن دادگاه، در صورتی که قبلاً اقامه کرده باشد، ملزم کند.<sup>۳</sup> بنابراین، قرار مزبور ممکن است قبل از اقامه دعوی در کشوری دیگر و بروز دادرسی موازی صادر شود که در این صورت، از آن با عنوان «قرار منع اقامه دعوی» یاد می‌شود. همچنین قرار مزبور ممکن است بعد

1. Stacher, M. **International Antisuit Injunctions: Enjoining Foreign Litigations and Arbitrations - Beholding the System from Outside**, Cornell Law School Graduate Student Papers, 2005. available at: [https://scholarship.law.cornell.edu/lps\\_papers/8](https://scholarship.law.cornell.edu/lps_papers/8), last visited 17 June 2022, p.4

2. Contreras, J. and Eixenberger, M. The Anti-Suit Injunction – a Transnational Remedy for Multi-Jurisdictional Sep Litigation. *Cambridge Handbook of Technical Standardization Law - Patent, Antitrust and Competition Law*, University of Utah College of Law Research Paper No. 209, 2017, p.2.

3. Dowers, N. "The Anti-Suit Injunction and the EU: Legal Tradition and Europeanisation in International Private Law". *Cambridge Journal of International and Comparative Law*, 2 (2013):960.

از اقامه دعوی در کشوری دیگر و بروز دادرسی موازی صادر شود که در این صورت، اصطلاح «قرار منع پیگیری دعوی» بر آن صدق می‌کند.

برای توضیح عملکرد قرار منع دعوی بهتر است مثالی ارائه شود. فرض کنید راجع به یک اختلاف قراردادی که موضوع آن صادرات کالاها از ایران به انگلستان است، دعوی از سوی طرف انگلیسی در دادگاه لندن علیه طرف ایرانی اقامه شود. خواننده ایرانی در دادگاه به دفاع از خود می‌پردازد، اما پس از اینکه متوجه می‌شود به احتمال زیاد نتیجه دعوا به نفع او نخواهد بود، دعوا را در دادگاه ایرانی مطرح می‌کند تا طرف انگلیسی را آزار دهد، تمرکز وی را از دعوی اول به دعوی دوم معطوف سازد و احتمال صدور آرای متعارض را در آن اختلاف افزایش دهد. این امر در نهایت منجر به این می‌شود که طرف انگلیسی نتواند با توجه به بند ۵ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ایران، رأی صادره به نفع خویش را در ایران اجرا کند؛ یا مثلاً طرف ایرانی به دعوی اقامه شده در انگلستان پاسخی ندهد و وارد این دعوی نشود و در دادگاه ایران (که مثلاً دادگاه محل انعقاد قرارداد مذکور است) دعوی خود را مطرح کند، چون منافع وی را بیشتر تأمین می‌کند. در این گونه موارد، دادگاه انگلستان می‌تواند بنا به درخواست خواهان، قرار منع دعوی صادر کند تا در صورتی که طرف ایرانی هنوز دعوی را در ایران اقامه نکرده است، او را از اقامه دعوی منع کند یا در صورتی که وی دعوی را در دادگاه ایران مطرح کرده است، او را از پیگیری آن منع کند.

شایان ذکر است در صورتی که قرار منع دعوی از دادگاه یک کشور علیه طرف دعوی در دادگاه کشوری دیگر صادر شود، طرف ذی‌نفع قرار مزبور، از دادگاه کشوری که مخاطب قرار در آنجا دعوی اقامه کرده یا قصد اقامه دعوی دارد، اجرای قرار مزبور را خواستار می‌شود. در این حالت، دادگاهی که از آن اجرای قرار منع دعوی خواسته شده است، یا قرار مزبور را اجرا می‌کند یا اجرا نمی‌کند. اگر دادگاه مزبور قرار منع دعوی را اجرا کند، این بدان معنا است که جریان رسیدگی به اختلاف را متوقف خواهد کرد یا کلاً دعوا را به نفع دادگاه صادرکننده قرار، رد خواهد کرد و در این صورت، هدف قرار منع دعوی به‌طور کامل محقق می‌شود. به عبارت دیگر، در این فرض خواهان دعوا ملزم می‌شود که این دعوا را رها کند و به دعوی مطرح در دادگاه صادرکننده قرار منع برگردد و در نتیجه، از ادامه دادرسی موازی جلوگیری می‌شود. اما اگر دادگاه مزبور قرار منع دعوی را اجرا نکند و رسیدگی را متوقف نکند یا کلاً دعوا را رد نکند، در این صورت، انتظار می‌رود خود مخاطب قرار منع دعوی، دعوی را رها کند و به دعوی مطرح شده در دادگاه

صادرکننده قرار منع برگردد. اگر مخاطب قرار، دعوا را رها نکند، دادرسی موازی ادامه خواهد یافت و مخاطب قرار با ضمانت اجرای عدم متابعت از قرار منع دعوی در کشور دادگاه صادرکننده قرار مواجه می‌شود. در این خصوص، برخی نویسندگان اظهار کرده‌اند که اگر طرف دعوی بعد از صدور قرار منع دعوی، بر دادرسی در دادگاه خارجی اصرار ورزد، این امر منجر به محکومیت وی به حبس یا پرداخت جریمه پولی از سوی دادگاه صادرکننده قرار می‌شود.<sup>۱</sup> به بیانی دیگر، طرفی که از قرار مزبور اطاعت نمی‌کند، به دلیل ارتکاب جرم «توهین به دادگاه»<sup>۲</sup> در کشور صادرکننده قرار منع، مجازات می‌شود.<sup>۳</sup>

استفاده از قرارهای منع دعوی این مزیت را دارد که مانع دادرسی موازی می‌شود و در نتیجه دعوا را در یک دادگاه متمرکز می‌کند. از این رو، قرار مزبور از (۱) صدور آرای متعارض؛ (۲) تحمیل هزینه اضافی بر طرفین اختلاف در دعاوی موازی و (۳) افزایش تعداد دعاوی در دادگاه‌ها جلوگیری می‌کند. بنابراین، قرارهای منع دعوی کارآمدی دادرسی را تضمین می‌کنند.<sup>۴</sup> در زمینه «توافق‌های انتخاب دادگاه»<sup>۵</sup> نیز قرارهای منع دعوی فوایدی دارند و در خصوص اجرای توافق‌های انتخاب دادگاه ممکن است کمک کنند.<sup>۶</sup> با این توضیح که هرگاه طرفین قرارداد برای رسیدگی به اختلافات موجود یا آتی بر صلاحیت دادگاه کشور معینی توافق کنند، اما یکی از طرفین، توافق مزبور را نقض و دعوای خود را در دادگاه صلاحیت‌دار کشور دیگری مطرح کند، صدور قرار منع دعوی در این‌گونه موارد، طرف نقض‌کننده توافق را ملزم می‌کند تا به تعهدات خود پایبند باشد و از پیگیری دعوی در دادگاه غیرمنتخب خودداری کند.

قرار منع دعوی همیشه چالش‌برانگیز بوده است، زیرا نتیجه چنین قراری این است که یکی از طرفین اختلاف، دیگر نتواند دعوی را در دادگاه کشور دیگر اقامه کند یا اگر دعوی را اقامه کرده است، باید آن را رها کند و در نتیجه، دادگاه خارجی از رسیدگی به دعوی به‌طور غیرمستقیم

1. Wilson, E. M., "Let Go of that Case - British Anti-Suit Injunctions against Brussels Convention Members", *Cornell International Law Journal*, 36 (2003): 214

2. Contempt of the court

۳. برای مطالعه درباره ضمانت‌اجرای عدم متابعت از قرار منع دعوی رک: سربازیان؛ هاشمی و صالحی، ۱۳۹۸ الف، پیشین، صص ۴۰۴-۴۰۷.

4. Stacher, M. International Antisuit Injunctions: Enjoining Foreign Litigations and Arbitrations - **Beholding the System from Outside**, *Cornell Law School Graduate Student Papers*, 2005. available at: [https://scholarship.law.cornell.edu/lps\\_papers/8](https://scholarship.law.cornell.edu/lps_papers/8), last visited 17 June 2022: 5

5. Choice of court agreements

6. Keyes, M. *Optional Choice of Court Agreements in Private International Law*. Switzerland: Springer International Publishing, 2020: 380

منع می‌شود. از این رو، گاهی این قرار، مخالف با رعایت نزاکت شناخته شده است. با این حال، طرف‌داران قرار منع دعوی مدعی هستند که دلیل اصلی صدور چنین قرار، کنترل دادگاه‌های خارجی نیست؛ بلکه کنترل طرف دعوی است که با سوءنیت عمل می‌کند و رسیدگی «آزاردهنده و ظالمانه‌ای»<sup>۱</sup> را شروع می‌کند یا ادامه می‌دهد.<sup>۲</sup> بنابراین، قرار منع دعوی در حاکمیت دادگاه خارجی دخالت نمی‌کند و ناقض قواعد نزاکت نمی‌شود. با این حال، این ادعا صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در عمل (حداقل در دعوی مدنی)، دادگاه تنها در حالتی می‌تواند حاکمیت خود را اعمال کند که دعوا از سوی یکی از طرفین اختلاف اقامه شده باشد. به این ترتیب، با منع یکی از طرفین اختلاف از اقامه دعوی، حاکمیت و استقلال دادگاه خارجی ضرورتاً تحت تأثیر قرار می‌گیرد.<sup>۳</sup> به عبارت دیگر، درست است که مخاطب این قرار طرف دعوی است و دادگاه خارجی مخاطب قرار نیست، اما تجاوز به صلاحیت دادگاه کشور دیگر و حاکمیت آن نیز مشهود است.<sup>۴</sup> لذا ممکن است این‌گونه تعبیر شود که صدور قرار منع دعوی توهینی به توانایی دادگاه‌های کشور مقابل در رسیدگی به اختلاف است.<sup>۵</sup> در هر حال، به دلایل راجع به نزاکت بین‌المللی، قرار منع دعوی به‌راحتی صادر نمی‌شود و تهاجمی‌ترین ضمانت اجرا به شمار می‌آید.<sup>۶</sup> قرار منع دعوی ضمانت‌اجرای شدیدی است که به‌ندرت درخواست می‌شود و حتی به‌ندرت صادر می‌شود.<sup>۷</sup> این قرار یک ضمانت‌اجرای اختیاری است و طبق صلاحیت دادگاه و در مواردی صادر می‌شود که تحقق عدالت صدور چنین قرار را اقتضا کند.<sup>۸</sup> برای نمونه، دادگاه‌های انگلستان در تمام مواردی که به نظر دادگاه، عادلانه و مناسب باشد، چنین قرار را صادر می‌کنند.<sup>۹</sup> شایان ذکر

1. Vexatious or oppressive

2. McLachlan, C. *Lis Pendens in International Litigation*. Leiden/Boston: MartinusNijhoff Publishers, 2009: 157

3. Kruger, T. "The Anti-Suit Injunction in European Judicial Space: Turner v Grovit", *International and Comparative Law Quarterly*, 53 (2004): 1035

4. Teitz, L. E. Both Sides of the Coin: A Decade of Parallel Proceedings and Enforcement of Foreign Judgments in Transnational Litigation, *Roger Williams University Law Review*, 2004, available at: <https://ssrn.com/abstract=3592497>, last visited 17 June 2022: 21

5. Vertigan, E. K. "Foreign Antisuit Injunctions: Taking a Lesson from the Act of State Doctrine", *The George Washington Law Review*, 76 (2007): 160

6. Douglas, M. "Anti-Suit Injunctions in Australia". *Melbourne University Law Review* (advance), 41(2017): 2

7. Wilson, op.cit: 212

8. Fisher, G. "Anti-Suit Injunctions to Restrain Foreign Proceedings in Breach of an Arbitration Agreement", *Bond Law Review*, 22 (2010):1

9. Wilson, op.cit: 213

است به دلیل اختیار زیادی که دادگاه‌ها در اعمال چنین ضمانت‌اجرائی دارند، نمی‌توان فهرستی معین و ثابت از مواردی ارائه داد که دادگاه‌ها می‌توانند چنین قراری را صادر کنند.<sup>۱</sup>

دشوارترین موضوع در تصمیم‌گیری برای صدور قرار منع دعوی، برقراری توازن میان تحقق عدالت و رعایت نزاکت بین‌المللی است. از آنجا که قرار منع دعوی خطر تجاوز به حاکمیت کشور دیگر را به دنبال دارد، این نوع قرار با احتیاطی خاص صادر می‌شود.<sup>۲</sup> برای نمونه، طبق رویه قضایی انگلستان، وقتی دادگاه می‌خواهد تصمیم بگیرد که قرار منع دعوی را صادر کند یا خیر، توجه به نزاکت را بر فواید اجتناب از دادرسی موازی ترجیح می‌دهد. از آنجا که در انگلستان «دادرسی‌های موازی در کشورهای مختلف به‌خودی‌خود غیر قابل قبول تلقی نشده است»، دادگاه انگلستان برای توقیف دعوای خارجی در حال رسیدگی به موازات دعوای انگلیسی، به‌سادگی چنین قراری را صادر نخواهد کرد. دادگاه انگلستان، این قرار را تنها در موردی صادر خواهد کرد که دعوای خارجی ظالمانه و آزاردهنده باشد. بنابراین، اگرچه سازوکار قرار منع دعوی برای منع دادرسی موازی می‌تواند استفاده شود، از منظر دادگاه‌های انگلستان وجود دادرسی موازی به‌تنهایی عامل تعیین‌کننده‌ای برای صدور چنین قراری نیست.<sup>۳</sup> دادگاه ممکن است بیشتر مایل باشد که از سازوکار صدور قرار منع دعوی در موردی استفاده کند که یک شرط انحصاری صلاحیت وجود دارد و دعوای خارجی با نقض توافق مزبور اقامه شده است. در این‌گونه موارد دادگاه آسان‌تر متقاعد می‌شود که دعوای اقامه‌شده با نقض توافق طرفین بر انتخاب دادگاه، به حق قراردادی و منصفانه طرف دیگر تجاوز کرده و با سوءنیت اقامه شده است و از این رو، اقدامی ظالمانه و آزاردهنده به شمار می‌آید.<sup>۴</sup> به دیگر سخن، اگر شرط انحصاری صلاحیت وجود داشته باشد که صلاحیت رسیدگی را به دادگاه‌های انگلستان اعطا می‌کند، دادگاه این قدرت ذاتی را دارد تا مانع دعوای خارجی شود؛ بدون اینکه به مقتضیات نزاکت توجه کند. در مقابل، در موردی که چنین شرطی وجود ندارد، برای اینکه به نزاکت بین‌المللی تجاوز نشود، دادگاه ممکن است استانداردهای بالاتری را بخواهد تا با درخواست صدور قرار منع دعوی موافقت کند. با این حال، حتی در صورتی که طرفین اختلاف طبق توافق، صلاحیت انحصاری به دادگاه‌های

1. Ambrose, C. "Can Anti-Suit Injunctions Survive European Community Law?", *International and Comparative Law Quarterly*, 52 (2003): 404

2. Tang, Z S. *Jurisdiction and Arbitration Agreements in International Commercial Law*. New York: Routledge, 2014: 196-197

3. Tang, op.cit: 155

4. Ibid: 196-197

انگلستان اعطا کنند، به دلیل لزوم رعایت نزاکت، دادگاه‌های انگلستان صرفاً به وجود توافق صلاحیت استناد نمی‌کنند، بلکه ترجیح می‌دهند مبانی دیگری نیز بیابند تا از تصمیم ایشان در صدور قرار منع دعوی حمایت کنند. برای مثال، در دعوایی<sup>۱</sup> طرفین بر صلاحیت انحصاری دادگاه‌های انگلستان توافق کردند. یکی از طرفین اختلاف با نقض توافق مزبور، دعوی را دادگاه ایالت تگزاس مطرح کرد. دادگاه انگلستان قرار منع دعوی علیه طرف نقض‌کننده توافق صادر کرد تا او را از پیگیری دعوی در تگزاس منع کند. دادگاه انگلستان مقرر کرد متقاضی صدور قرار حق دارد که دعوی وی در انگلستان طبق شرط صلاحیت استماع شود و دادرسی خارجی به‌شدت نامناسب است. دادگاه همچنین اعلام کرد که دعوا، ارتباط واقعی با تگزاس ندارد؛ چراکه اموال موضوع دعوا در انگلستان بودند و قانون انگلستان بر تعهدات مربوطه حاکم بود. همچنین، بخشی از اختلاف در خصوص تعهد مدیران انگلیسی به شرکت‌های انگلیسی بود. دادگاه ادامه داد: طرفی که دعوی را در تگزاس اقامه کرد، هدفش مطالبه خسارت تنبیهی در دادگاه یک کشور نامرتبط با دعوا بود که این امر اقدامی ظالمانه است. به این ترتیب، دادگاه انگلستان نه تنها بر مبنای حق طرف دعوا برای اجرای شرط صلاحیت، بلکه بر مبنای عوامل دیگری که ظالمانه بودن دادرسی خارجی را اثبات می‌کرد، قرار منع دعوی صادر کرد.<sup>۲</sup> شایان ذکر است که در برخی موارد دادگاه‌های یک کشور طبق قواعد نظام حقوقی خود صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به موضوع دعوا دارند؛ همانند دادگاه کشور محل وقوع مال غیرمنقول که صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به اختلافات راجع به آن را دارد. در این‌گونه موارد دادگاه‌ها به صلاحیت انحصاری قانونی در مقایسه با صلاحیت انحصاری ناشی از توافق طرفین توجه بیشتری خواهند کرد. برای مثال، چنانچه اختلاف راجع به مال غیرمنقول واقع در انگلستان باشد، اما طرفین اختلاف برای رسیدگی به آن بر صلاحیت انحصاری دادگاه کشور دیگری توافق کنند، در صورتی که دعوی در دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول اقامه شود، قطعاً قرار منع دعوا علیه دعوی اقامه‌شده در دادگاه منتخب طرفین صادر خواهد شد.<sup>۳</sup>

1. Royal Bank of Scotland v Hicks, [2011] EWHC 287 (Ch).

2. Tang, op.cit: 156-158

۳. از سوی دیگر، اگر طرفین بر صلاحیت انحصاری دادگاه‌های انگلستان برای رسیدگی به اختلاف مربوط به مال غیرمنقول واقع در کشور دیگر توافق کنند، دادگاه انگلستان به جای اجرای توافق انحصاری صلاحیت، رسیدگی را به نفع دادگاه خارجی دارای صلاحیت انحصاری متوقف خواهد کرد Ibid: 166. شایان ذکر است که در حقوق ←



## ۲. رویکرد حقوق اتحادیه اروپا و چین در صدور قرار منع دعوی

در این بخش، رویکرد دو نظام حقوقی اتحادیه اروپا و چین در خصوص صدور قرار منع دعوی بررسی می‌شود. بررسی رویکرد حقوق اتحادیه اروپا به‌مثابه یک نظام حقوقی نسبتاً جوان و البته پیشرو در اغلب حوزه‌های حقوقی از جمله در روابط خصوصی بین‌المللی مفید به نظر می‌رسد. همچنین مقررات این نظام حقوقی در کشورهای اروپایی اعم از رومی ژرمنی و کامن‌لا اعمال می‌شود که از لحاظ بررسی راهکارهای جدید در حوزه دعاوی خصوصی بین‌المللی در دنیا دارای اهمیت است. حقوق چین نیز به‌مثابه نظام حقوقی یکی از قدرتهای برتر اقتصادی در دنیای معاصر که به علت حجم مبادلات تجاری بسیار زیاد فعالان اقتصادی در این کشور و برقراری روابط تجاری بین‌المللی گسترده در سرتاسر جهان با مسائل حقوق بین‌الملل خصوصی از جمله موضوع قرار منع دعوی مواجه بوده، شایسته واکاوی است. در این بخش از مقاله ابتدا حقوق اتحادیه اروپا و سپس حقوق چین بررسی می‌شود.

### ۲.۱. حقوق اتحادیه اروپا

در اروپا اولین سند در زمینه صلاحیت قضایی و شناسایی و اجرای آرا «کنوانسیون بروکسل راجع به صلاحیت، شناسایی و اجرای آرا در موضوعات مدنی و تجاری»<sup>۱</sup> است که در ۱۹۶۸ از سوی کشورهای عضو «جامعه اقتصادی اروپا»<sup>۲</sup> منعقد و در ۱۹۷۳ لازم‌الاجرا شد. بعد از انعقاد پیمان ماستریخت در ۱۹۹۲ و تشکیل اتحادیه اروپا و همچنین بعد از انعقاد معاهده آمستردام در ۱۹۹۷ و پیوستن کشورهای جدیدی به اتحادیه اروپا، نیاز به وضع مقررات یکسانی در زمینه صلاحیت، شناسایی و اجرای آرا احساس شد. از این رو، «مقرره بروکسل یک ۴۴/۲۰۰۱ راجع به صلاحیت، شناسایی و اجرای آرا در موضوعات مدنی و تجاری»<sup>۳</sup> تصویب شد. مقرره بروکسل یک برخلاف کنوانسیون، نیاز به طی مراحل قانونی برای تصویب و اعمال آن در کشورهای عضو اتحادیه نداشت، بلکه به‌طور مستقیم در کشورهای عضو اعمال می‌شد. پس از مدتی از اجرای

→ ایران صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران برای رسیدگی به دعاوی راجع به اموال غیرمنقول واقع در ایران مورد تصریح قانون‌گذار ایران در بند ۷ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ قرار گرفته است.

1. The 1968 Brussels Convention on Jurisdiction and the Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters.

۲. آلمان، فرانسه، ایتالیا، هلند، بلژیک و لوکزامبورگ.

3. Council Regulation (EC) No 44/2001 of 22 December 2000 on Jurisdiction and the Recognition and Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters (Brussels I).

مقرره بروکسل یک، در ۲۰۱۲ مقرره بروکسل یک جدید راجع به صلاحیت، شناسایی و اجرای آرا در موضوعات مدنی و تجاری<sup>۱</sup> تصویب شد که از دهم ژانویه ۲۰۱۵ در تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا لازم‌الاجرا و جایگزین مقرره بروکسل یک شده است.<sup>۲</sup>

اسناد اروپایی فوق درباره امکان استفاده از ابزار کامن‌لا قرار منع دعوی از سوی دادگاه‌های کشورهای عضو اتحادیه، حکمی ندارند. بنابراین، درباره امکان صدور چنین قرارهای از دادگاه‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا اختلاف نظر وجود دارد. با این توضیحات، مناسب است تا بررسی شود که در فرض اقامه دعاوی موازی در دادگاه یک کشور عضو اتحادیه و دادگاه یک کشور دیگر، آیا دادگاه‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌توانند قرار منع دعوی صادر کنند؟ برای بررسی این موضوع باید بین قرار منع دعوی صادره از دادگاه یک کشور عضو اتحادیه علیه طرف دعوی در دادگاه یک کشور عضو دیگر از یک سو، و قرار منع دعوی صادره از دادگاه یک کشور عضو اتحادیه علیه طرف دعوی در دادگاه یک کشور ثالث تفکیک کرد.

#### ۲.۱.۱. امکان صدور قرار منع دعوی از دادگاه‌های یک کشور عضو اتحادیه اروپا علیه طرف دعوی در دادگاه یک کشور عضو دیگر

در این فرض، بحث این است که در صورت اقامه دعاوی موازی در دادگاه‌های دو کشور عضو اتحادیه اروپا، آیا دادگاه یک کشور عضو می‌تواند علیه طرف اختلاف در کشور عضو دیگر، قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا صادر کند؟ این مسئله در زمان اعمال کنوانسیون بروکسل مطرح شد. در دعوی ترنر و گروویت،<sup>۳</sup> ترنر علیه گروویت در انگلستان اقامه دعوی کرد.<sup>۴</sup> در مقابل، گروویت علیه ترنر در دادگاه اسپانیایی اقامه دعوا کرد. ترنر با ادعای اینکه دعوی در اسپانیا تنها با هدف آزار وی اقامه شده است، از دادگاه انگلستان خواست قرار منع دعوی صادر کند تا خواننده را از پیگیری دعوا در اسپانیا منع کند. مسئله امکان صدور این قرار به مجلس اعیان رسید.

1. The Regulation (EU) No 1215/2012 of the European Parliament and the Council of 12 December 2012 on Jurisdiction and the Recognition and Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters ('Brussels I Recast').

2. Tang, op.cit: 178

3. Turner v Grovit [2004] ECR I-3565.

۴. شایان ذکر است که با استناد به ماده ۵۰ «معاهده اتحادیه اروپا» در خصوص امکان خروج کشورهای عضو از اتحادیه اروپا، در تاریخ ۲۳ ژوئن سال ۲۰۱۶ تقریباً ۵۲٪ شهروندان انگلیسی برای خروج انگلستان از اتحادیه اروپا رأی دادند و در تاریخ ۲۹ مارس ۲۰۱۷ دولت انگلستان رسماً تصمیم خود را برای خروج از اتحادیه اروپا اعلام کرد (Rehn and Schubert and Mewes, 2017, p.1).

مجلس اعیان مقرر داشت که امکان صدور قرار منع دعوی طبق حقوق انگلستان وجود دارد و صدور این قرار امر ناصوابی نیست. با این حال، مجلس اعیان موضوع را به «دیوان دادگستری اتحادیه اروپا»<sup>۱</sup> ارجاع داد<sup>۲</sup> تا دیوان اعلام نظر کند که آیا صدور چنین قرارهای از دادگاه‌های پادشاهی متحده (در نقش یکی از کشورهای عضو اتحادیه) برای منع خوانده از اقامه یا پیگیری دعوا در دادگاه یک کشور دیگر عضو اتحادیه با قواعد کنوانسیون بروکسل تعارض دارد یا خیر؟<sup>۳</sup>

دیوان دادگستری اتحادیه اروپا ضمن تأکید بر اهمیت «اعتماد متقابل»<sup>۴</sup> بین نظام‌های حقوقی ملی کشورهای عضو اتحادیه مقرر داشت که قرار انگلیسی منع دعوی، شک و تردید بر ساختار اعتماد متقابل ایجاد می‌کند. اعتماد متقابل به این معنی است که هر دولت اهلیت دیگر نظام‌های حقوقی را به رسمیت می‌شناسد تا در اهداف ادغام [نظام‌های حقوقی] مشارکت کنند. به‌جز دیوان دادگستری اروپا هیچ مقامی با قدرت کنترل برتر تعیین نشده است، لذا کشورهای عضو نباید مجاز باشند که صلاحیت قضایی کشورهای عضو دیگر را تحت تأثیر قرار دهند؛ حتی اگر این تأثیر به صورت غیرمستقیم باشد. علاوه بر این، تنها نظام‌های حقوقی کاملاً لا قرار منع دعوی را به رسمیت می‌شناسند و صدور چنین قرارهای باعث عدم تعادل می‌شود. همچنین، اگر طرف دعوا با تهدید مجازات از اقامه دعوی در دادگاه خارجی ممنوع شود، نتیجه آن سلب صلاحیت دادگاه خارجی خواهد بود. بنابراین، نظر قطعی دیوان دادگستری بر این بود که قرار منع دعوی در روابط با دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، قابل تحمل نیست.<sup>۵</sup>

به این ترتیب، می‌توان گفت دیوان دادگستری اروپا بر لزوم احترام به ارزیابی دادگاه‌های کشورهای عضو از صلاحیت خود، تأکید دارد. نتیجه اینکه کشورهای عضو نمی‌توانند با توسل به قواعد حقوق داخلی به دادگاه‌های خود این توانایی را بدهند که اوامر منع‌کننده‌ای همانند

1. The European Court of Justice (ECJ).

۲. دیوان دادگستری اروپا تضمین‌کننده اجرای قوانین و مقررات و تحقق فهم و استنباط مشترک از آن‌ها در کلیه کشورهای عضو است. بنابراین، دیوان دادگستری اروپا اختلافات راجع به تفسیر معاهده اتحادیه اروپا و قوانین و مقررات را حل و فصل می‌کند. چنانچه دادگاه‌های ملی در خصوص اعمال قوانین اتحادیه شک و تردید داشته باشند، موظف هستند نظر دیوان را جست‌وجو کنند (شیروی، عبدالحسین. حقوق تطبیقی (ویراست دوم). تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۴: ۲۶۵).

3. Teitz, op.cit: 50, Dowers, op.cit: 965, Kruger, op.cit: 1031-1032

4. Mutual Trust

5. Kruger, op.cit: 1034

قرارهای منع دعوی علیه یک دعوی در یک کشور عضو دیگر صادر کنند.<sup>۱</sup> مفهوم اعتماد متقابل که دیوان بر آن تأکید دارد، این است که کشورهای عضو اتحادیه اروپا نه تنها به دادگاه‌های یکدیگر احترام می‌گذارند، بلکه اعتماد بی‌چون و چرا نیز دارند.<sup>۲</sup> شایان ذکر است این پرونده راجع به استفاده از قرار منع دعوای انگلیسی در خصوص کنوانسیون بروکسل بود. گرچه مقرره بروکسل یک، جایگزین کنوانسیون بروکسل شده است، مقرره مزبور ساختار و قواعد اساسی کنوانسیون را حفظ کرد. از این رو، رأی صادره در اعمال مقرره بروکسل یک هم مؤثر ماند.<sup>۳</sup> در مقرره بروکسل یک جدید نیز در این خصوص تغییراتی ملاحظه نشده است. بنابراین، رأی صادره در دعوای ترنر در اعمال مقرره بروکسل یک جدید نیز لحاظ می‌شود. در نتیجه، صدور قرارهای منع دعوی از دادگاه یک کشور عضو علیه طرف دعوی در دادگاه یک کشور عضو دیگر، طبق مقرره بروکسل یک جدید نیز ممکن نیست.<sup>۴</sup>

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که اگر مبنای صلاحیت دادگاه کشور عضو اتحادیه اروپا، مقررات اتحادیه اروپا نباشد، آیا باز هم دادگاه یک کشور عضو نمی‌تواند علیه طرف دعوی در دادگاه کشور عضو دیگر قرار منع دعوی صادر کند؟ عبارات رأی پرونده ترنر و گروویت بسیار موسع است و تعیین نمی‌کند که آیا مبنای صلاحیت دادگاه کشور عضو که علیه آن قرار منع دعوی صادر می‌شود، اهمیت دارد یا خیر. اثر چنین رویکردی این است که برای حمایت از اعتماد متقابل، قرارهای منع دعوی در کشورهای عضو اتحادیه ممنوع هستند، صرف نظر از اینکه مبنای صلاحیت دادگاه کشور عضو که علیه آن قرار منع دعوی صادر شده، مقررات اتحادیه اروپا یا قانون ملی آن کشور عضو باشد.<sup>۵</sup> در هر حال، ممکن است این ادعا مطرح شود که اعتماد متقابل و همکاری قضایی در موضوعات مدنی و تجاری ریشه در مقررات بروکسل دارد. به نظر چنین ادعایی منصفانه است. اگر دادگاه یک کشور عضو بر مبنای قانون ملی خود صلاحیت رسیدگی به دعوا دارد، منع رسیدگی به چنین دعوایی از طریق صدور قرار منع دعوی، طبق مقررات بروکسل، بازبینی و بررسی صلاحیت دادگاه کشور عضو دیگر محسوب نمی‌شود. افزون

1. Buonaiuti, F M. "Lis Alibi Pendens and Related Actions in Civil and Commercial Matters Within The European Judicial Area". Yearbook of Private International Law, 11 (2009): 524

2. Kruger, op.cit: 1035

3. Kruger, op.cit: 1030

4. Mundi, J. **Anti-suit injunctions after Brexit**, 2021. available at: <https://blog.jusmundi.com/anti-suit-injunctions-after-brexite/>, last visited 17 June 2022.

5. Tang, op.cit: 203

بر این، در حالتی که کشور عضو مطابق قوانین ملی خود صالح به رسیدگی به دعوا باشد، مقررات بروکسل سایر کشورهای عضو را به رعایت اصل اعتماد متقابل در برابر آن کشور ملزم نمی‌سازد. از این رو، مادام که مبنای صلاحیت دادگاه کشور عضو برای رسیدگی به دعوا قانون داخلی و نه مقررات بروکسل است، صدور قرار منع دعوی در چنین حالتی نه بر اطمینان و قابلیت پیش‌بینی - که طبق مقررات بروکسل فراهم شده - و نه بر اعمال یکنواخت قواعد صلاحیت قضایی اتحادیه اثر خواهد داشت. با این حال، احتمالاً نظر مخالف نیز وجود داشته باشد؛ با این توضیح که در برخی موارد مقررات بروکسل به کشور عضو اجازه می‌دهد که قانون داخلی را اعمال کند.<sup>۱</sup> پس، در این صورت اعمال قانون داخلی نیز بخشی از احکام مقررات محسوب می‌شود. همچنین، باید توجه داشت که حتی بدون لحاظ قواعد صلاحیتی مقررات بروکسل، در همه حوزه‌هایی که همکاری قضایی میان کشورهای عضو اتحادیه برقرار است، اعتماد متقابل بین آن‌ها وجود دارد. برای مثال، کشورهای عضو ملزم هستند که به‌طور متقابل و صرف‌نظر از مبنای صلاحیت رسیدگی به اختلاف (قانون داخلی کشور عضو یا مقررات بروکسل)، آرای صادره از دادگاه‌های همدیگر را شناسایی و اجرا کنند. این امر نشان‌دهنده توسعه اعمال اصل اعتماد متقابل به مواردی است که صلاحیت دادگاه کشور عضو بر مبنای قانون داخلی و نه بر مبنای مقررات بروکسل باشد.<sup>۲</sup> از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که دادگاه کشور عضو اتحادیه نمی‌تواند قرار منع دعوی علیه طرف دعوی در دادگاه کشور عضو دیگر صادر کند؛ خواه مبنای صلاحیت دادگاه اخیر مقررات اتحادیه اروپا یا قانون ملی خود باشد.

## ۲.۱.۲. امکان صدور قرار منع دعوی از دادگاه‌های یک کشور عضو اتحادیه اروپا علیه طرف دعوی در دادگاه یک کشور ثالث

در این فرض، بحث این است که در صورت اقامه دعاوی موازی در دادگاه یک کشور عضو اتحادیه اروپا و دادگاه یک کشور ثالث، آیا دادگاه کشور عضو اتحادیه اروپا می‌تواند علیه طرف دعوی در کشور ثالث قرار منع دعوی صادر کند؟ در پرونده اسکایپ و ژولتید،<sup>۳</sup> دادگاه انگلستان درباره امکان صدور قرار منع دعوی از سوی دادگاه‌های انگلستان علیه طرف دعوی در دادگاه

۱. ماده ۴ از مقررۀ بروکسل یک و ماده ۶ از مقررۀ بروکسل یک جدید.

2. Tang, op.cit: 203

3. Skype v Joltid, 2011, ILPr 8

یک کشور ثالث همانند ایالات متحده بیان داشت که اثر رأی دیوان دادگستری اروپا در پرونده ترنر و گروویت باید به قلمرو اتحادیه اروپا محدود باشد؛ یعنی موردی که تمام کشورهای عضو، جزئی از بازار داخلی هستند و اعتماد متقابل بین کشورهای عضو وجود دارد. همچنین، رأی صادره در پرونده ترنر و گروویت درباره استفاده از قرار منع دعوی برای منع دعوی در یک کشور ثالث چیزی بیان نکرده است؛ چراکه نه مرتبط با منافع اتحادیه است و نه اعتماد متقابل وجود دارد.<sup>۱</sup> از این رو، به نظر می‌رسد اگر صدور قرار منع دعوی طبق قانون ملی دادگاه کشور عضو، مجاز باشد، دادگاه مزبور می‌تواند علیه طرف دعوی در دادگاه کشور ثالث قرار منع دعوی صادر کند؛ صرف نظر از اینکه مبنای صلاحیت دادگاه کشور عضو اتحادیه (دادگاه صادرکننده قرار)، مقررات اتحادیه اروپا یا قانون ملی آن باشد.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در اتحادیه اروپا دادگاه کشور عضو اتحادیه اروپا هرگز نمی‌تواند علیه طرف دعوی در یک کشور عضو دیگر قرار منع دعوی صادر کند، اما دادگاه کشور عضو اتحادیه اروپا می‌تواند طبق قواعد داخلی خود قرار منع دعوی علیه طرف دعوی در یک کشور ثالث صادر کند.

## ۲.۲. حقوق چین

در نظام حقوقی چین در مجموعه قوانین موضوعه حکمی در خصوص قرار منع دعوی مشاهده نمی‌شود. مع‌هذا، در سال‌های اخیر رویکرد دادگاه‌های چینی در خصوص این قرار دگرگون شده است. برای مثال، در یک اختلاف راجع به نقض حق اختراع بین شرکت هواوی و شرکت کانورسانت،<sup>۳</sup> شرکت هواوی در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۸ در دادگاه چینی علیه شرکت کانورسانت دعوایی اقامه کرد. در مقابل، کانورسانت دعوای دیگری را در دادگاه دوسلدورف آلمان در ۲۰ آوریل ۲۰۱۸ علیه شرکت هواوی اقامه کرد. در ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۹، دادگاه چینی رأی به نفع شرکت هواوی صادر کرد. شرکت کانورسانت در ۱۸ نوامبر ۲۰۱۹ در دیوان عالی چین به رأی مزبور اعتراض کرد. همچنین، در ۲۷ اگوست ۲۰۲۰، دادگاه آلمان شرکت هواوی را مسئول دانست. بنا به درخواست هواوی، دیوان عالی چین قرار را صادر کرد که شرکت کانورسانت را از

1. Tang, op.cit: 203-204

3. *Huawei v Conversant*, (2019) Zui Gao Fa Zhi Min Zhong 732, 733 and 734 No 1.

درخواست اجرای رأی آلمانی از دادگاه آلمان منع می‌کرد. دادگاه چین دلایلی برای صدور قرار مزبور ذکر کرد: اولاً، اجرای رأی دادگاه دوسلدورف اثر منفی بر دعوی تحت رسیدگی در دادگاه چینی خواهد داشت؛ ثانیاً، صدور این قرار برای جلوگیری از صدمات جبران‌ناپذیر به شرکت هواوی ضروری است؛ ثالثاً، خسارت وارده به کانورسانت با صدور قرار منع به نحو چشمگیری کمتر از خسارت وارده به هواوی در صورت عدم صدور قرار است و رابعاً، این قرار به منافع عمومی یا نزاکت بین‌المللی لطمه‌ای وارد نمی‌کند.<sup>۱</sup>

همچنین، می‌توان به اختلاف دیگری راجع به نقض حق اختراع بین شرکت آمریکایی اینتل دیجیتال و شرکت چینی شیائومی اشاره کرد.<sup>۲</sup> در این پرونده، در ۹ ژوئن ۲۰۲۰، شرکت چینی شیائومی دعوی در دادگاه ووهان چین علیه شرکت اینتل دیجیتال اقامه کرد. در ۲۹ جولای ۲۰۲۰، اینتل دیجیتال علیه شیائومی در دادگاه عالی دهلی هند راجع به نقض حق اختراع‌های هندی دعوی اقامه کرد. دادگاه ووهان علیه اینتل دیجیتال قرار منع صادر کرد که او را از درخواست صدور هرگونه قرار از دادگاه دهلی منع می‌کرد و همچنین او را از اجرای هرگونه قرار که قبلاً صادر شده در هر کشوری منع می‌کرد. دادگاه ووهان در تبیین دلایل صدور چنین قرار استدلالت کرد که: اولاً، اینتل دیجیتال عمداً دعوی متعارض در هند اقامه کرده تا رسیدگی دادگاه چین را مختل کند؛ ثانیاً، دعوی مطرح‌شده در دادگاه هندی ممکن است به صدور رأی معارض با رأی صادره از دادگاه چینی منجر شود؛ ثالثاً، قرار منع دعوی برای جلوگیری از صدمات جبران‌ناپذیر به منافع شیائومی ضروری است و رابعاً، قرار منع دعوی به منافع مشروع اینتل دیجیتال یا منافع عمومی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد.<sup>۳</sup>

روشن است که دادگاه‌های چینی برای حمایت از دعوی اقامه‌شده در آن‌ها قرار منع دعوی علیه دعاوی در دادگاه‌های خارجی صادر کردند. برخی حقوق‌دانان چینی در انتقاد از این آرا بیان داشته‌اند که حقوق چین دربارهٔ امکان صدور قرارهای منع دعوی ساکت است و به‌روشنی به دادگاه‌های چینی اجازه نمی‌دهد چنین قرارهایی صادر کنند. اگرچه بر اساس ماده ۱۰۰ قانون

1. Tang, Z S. **Anti-Suit Injunction Issued in China: Comity, Pragmatism and Rule of Law**, 2020. Available at: <https://conflictoflaws.net/2020/anti-suit-injunction-issued-in-china-comity-pragmatism-and-rule-of-law/>, last visited 17 June 2022.

2. *Xiaomi v Intel Digital* (2020) E 01 Zhi Min Chu 169 No. 1

3. Tang, op.cit.

آیین دادرسی مدنی چین<sup>۱</sup> دادگاه‌های چین صلاحیت دارند در صورتی که رفتار خواننده ممکن است منجر به دشواری در اجرای رأی شود یا زیان‌های دیگر به طرف دیگر دعوی وارد سازد، خطاب به خواننده دستور انجام فعل یا ترک فعل صادر کنند، اما این ماده صرفاً در خصوص محافظت از اموال، ممانعت از اعمال تجاوزکارانه یا سایر اوضاع و احوالی که خواننده ممکن است به‌طور مستقیم باعث ضرر واقعی به حقوق شخصی یا مالی خواهان شود، اعمال می‌شود و هرگز به‌منزله معادلی برای قرار منع دعوی [در نظام‌های کامن‌لا] اعمال نشده است. با این حال، دو رأی فوق، تفسیری ابتکاری از ماده ۱۰۰ ارائه می‌کنند که دایره اقدامات حمایتی را به قرارهای منع دعوی هم توسعه می‌دهند. همچنین، این‌گونه قرارها نزاکت و حاکمیت قضایی کشورهای دیگر را نقض می‌کنند. اگرچه عملاً مخاطب این قرار، طرف دعوی و نه دادگاه خارجی است، چنین قرارهایی درباره مناسب بودن دادرسی خارجی قضاوت می‌کنند که اصولاً چنین قضاوتی باید از سوی دادگاه خارجی انجام شود. افزون بر این، صدور قرار منع دعوی از سوی دادگاه‌های چینی به‌طور اساسی با رویه قضایی و سیاست دیپلماتیک چین، یعنی رعایت اصل برابری حاکمیت دولت‌ها و عدم دخالت، مخالف است. به‌علاوه، طبق ماده ۵۳۳، «تفسیرهای دیوان عالی خلق درباره اعمال قانون آیین دادرسی مدنی جمهوری خلق چین»<sup>۲</sup>، معمولاً حقوق چین، دادرسی‌های موازی را که دادگاه‌های دو کشور درگیر آن هستند، قابل قبول می‌داند و هرکدام از دادگاه‌های دو کشور می‌توانند طبق حقوق داخلی خود به رسیدگی ادامه دهند. پذیرش قرار منع دعوی برای مقابله با دعاوی موازی خارجی یا دعاوی مرتبط، با این ماده متعارض است. در ادامه، حقوق‌دان چینی معتقد است که پیوند قضایی یک نهاد کامن‌لا به رویه قضایی چین کمی نامناسب و ناپخته به نظر می‌رسد. البته، شاید دو رأی فوق به قاعده رفتار متقابل توجه داشتند؛ با این توضیح که چون برخی دادگاه‌های خارجی ممکن است برای منع اقامه یا پیگیری دعاوی در چین قرار منع دعوی صادر کنند، دادگاه‌های چینی نیز باید از همین توانایی برخوردار باشند. استفاده از قرارهای منع دعوی، ستایش حقوق خارجی نیست، بلکه رویکردی عمل‌گرایانه برای استفاده از ابزارهای موجود به‌منظور تحقق اهداف است. در نهایت، از آنجا که قرار منع دعوی

1. Civil Procedure Law of the People's Republic of China (2017 Amendment).  
 2. Interpretations of the Supreme People's Court on Applicability of the Civil Procedure Law of the People's Republic of China.30/1/2015.  
<https://ipkey.eu/sites/default/files/legacy-ipkey-docs/interpretations-of-the-spc-on-applicability-of-the-civil-procedure-law-of-the-prc-2.pdf> last visited 12 July 2017



صراحتاً در حقوق چین پذیرفته نشده است، معیار منسجمی برای صدور قرار منع دعوی وجود ندارد. دو رأی مذکور به دلیل تبعیت از کشورهای کامن لا مختلف، معیارهای متفاوتی اعمال کردند. باید توجه داشت که فقدان آموزش‌های مرتبط در خصوص اعمال صلاحدید دادگاه در صدور قرار منع دعوی منجر به عدم قطعیت و اختلاف در صدور این نوع قرارها می‌شود. همچنین، صدور قرار منع دعوی ممکن است نزاکت و روابط بین‌المللی را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو، نمی‌توان صدور چنین قرارهای را به صورت اتفاقی یا با انعطاف‌پذیری به پیروی از یک یا دو رأی خارجی پذیرفت. اگر چین واقعاً می‌خواهد قرار منع دعوی را بپذیرد، باید رهنمودهایی را برای صدور چنین قرارهای ارائه کند. قرار منع دعوی باید طبق قاعده حقوقی صادر شود.<sup>۱</sup>

توجه به توضیحات فوق روشن می‌کند که گرچه قوانین موضوعه چین صراحتاً اجازه صدور قرار منع دعوی را نمی‌دهند، اما دادگاه‌های چین در دو پرونده فوق این قرار را صادر کردند که پدیده بدیعی در حقوق چین محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد پیشرفت چین در فناوری (از جمله در زمینه تولید تلفن همراه و رایانه و تجهیزات اینترنتی) باعث ایجاد تحولاتی در رویه قضایی این کشور شده است. صدور قرار منع دعوی از سوی دادگاه‌های چین در سال‌های اخیر یکی از این تحولات است تا از این صنایع مهم و به‌طور کلی اقتصاد چین بیشتر حمایت شود. در خصوص صدور این گونه قرارها رویه منسجمی مشاهده نمی‌شود، اما صرف صدور قرار منع دعوی از سوی دادگاه‌های چینی نشان‌دهنده این است که دیدگاه بدبینانه در خصوص صدور این قرارها تقریباً از بین رفته است. امروزه، ادعاهای مطرح‌شده در قرن بیستم درباره مخالفت این قرارها با نزاکت بین‌المللی و تجاوز آن‌ها به حاکمیت کشورهای دیگر چندان مورد استقبال نیست و مادام که این گونه قرارها از صلاحیت محاکم چین در موارد مهم (مرتبط به اقتصاد چین) حمایت می‌کنند، قابل استفاده هستند.

### ۳. رویکرد نظام حقوقی ایران در صدور قرار منع دعوی

در نظام حقوقی ایران، قانون‌گذار در زمینه صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها قواعدی وضع نکرده است. دادگاه‌های ایران برای احراز صلاحیت خود در رسیدگی به دعاوی بین‌المللی ناچارند به قواعد صلاحیت محلی که برای احراز صلاحیت در رسیدگی به دعاوی داخلی اعمال می‌شود،

1. Tang, op.cit.

مراجعه کنند.<sup>۱</sup> از این رو، می‌توان گفت در حقوق ایران دربارهٔ صدور قرارهای منع دعوی از سوی دادگاه‌های ایران حکم صریحی وجود ندارد. حال باید پرسید آیا دادگاه‌های ایران می‌توانند از ابزار کامن‌لا قرار منع دعوی استفاده کنند تا یکی از طرفین دعوای اقامه‌شده در دادگاه ایرانی را از اقامهٔ دعوی یا پیگیری آن در دادگاه کشوری دیگر منع کنند؟

برخی معتقدند: «در حقوق ایران، چه در حقوق داخلی و چه در روابط فرامرزی، قرار منع دادرسی در دادگاه دیگر پیش‌بینی نشده است. با توجه به ناکارآمدی و نواقص قرار منع دادرسی در تأمین منافع دولت و دخالت غیرمستقیم در اعمال حاکمیت دولت‌های دیگر، به نظر می‌رسد ایجاد چنین سازوکاری گامی در جهت واگرایی و برتری‌جویی در روابط بین‌المللی محسوب می‌شود».<sup>۲</sup> علاوه بر این، صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوی از سوی دادگاه‌های ایران با یک مانع حقوقی جدی روبروست. با این توضیح که مادهٔ ۹۷۱ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: «دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود. مطرح بودن همان دعوی در محکمهٔ اجنبی رافع صلاحیت محکمهٔ ایرانی نخواهد بود». طبق عبارات اخیر این ماده، ایراد امر مطروحه در دعاوی بین‌المللی مورد پذیرش قانون‌گذار ایران نیست. به عبارت دیگر، حتی اگر دادگاه خارجی سبق رسیدگی به همان اختلاف را دارد، دادگاه ایرانی ملزم به عدول از صلاحیت خود به نفع دادگاه دارای سبق رسیدگی نیست. از این رو، می‌توان گفت در فرض اقامهٔ دعاوی موازی در دادگاه ایران و دادگاه کشور دیگر، قانون‌گذار ایران به‌جای مقابله با دادرسی موازی، گزینهٔ «بی‌اعتنایی یا عدم عکس‌العمل»<sup>۳</sup> را انتخاب کرده است. به نظر می‌رسد مبنای این ماده این است که صلاحیت قضایی، جلوه‌ای از اعمال حاکمیت هر کشور است و قانون‌گذار هر کشور مختار است قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های خود را تعیین کند؛ لذا اجازهٔ دخالت در رسیدگی قضایی دادگاه‌های کشورهای دیگر وجود ندارد. بنابراین، از رویکرد قانون‌گذار ایران می‌توان استنباط کرد که در حقوق ایران مبنایی

۱. مواد ۱۱ تا ۲۵ از قانون آیین دادرسی مدنی.

۲. مقصودی، رضا. **موانع اعمال صلاحیت در حقوق بین الملل خصوصی**. حقوق خصوصی، ۱۳۹۱، شماره ۱، ص ۱۱۵.  
3. Do nothing

برای مطالعه دربارهٔ این مفهوم ر ک:

George, J. "International Parallel Litigation - A Survey of Current Conventions and Model Laws". *Texas International Law Journal*, 3(2002): 502-503

همچنین ر ک: مقصودی، رضا. **دادرسی موازی در دعاوی بین‌المللی**. مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۳۹۳، شماره ۲، ص ۵۸۵.

وجود ندارد که دادگاه ایران بتواند قرار منع دعوی صادر کند تا طرف دعوا را از اقامه یا پیگیری دعوی موازی در کشور دیگر منع کند، زیرا طبق ماده مذکور، بدون توجه به دعوی موازی که در دادگاه کشور دیگری اقامه شده است، دادگاه ایران موظف است به رسیدگی خود ادامه دهد. با این حال، باید در نظر داشت که رویکرد بی‌اعتنایی به دادرسی موازی پاسخ‌گوی نیاز طرفین قراردادهای خصوصی بین‌المللی و مقتضیات تجارت بین‌المللی نیست. این رویکرد، طرفین اختلاف را به خرید دادگاه<sup>۱</sup> تشویق می‌کند، وقت دادگاه‌ها و طرفین دعوا را تلف می‌کند و همچنین با افزایش هزینه‌های دادرسی به طرفین دعوا زیان می‌رساند. به‌علاوه، چنین رویکردی ممکن است منجر به صدور آرای معارض شود و در نتیجه، هیچ‌کدام از طرفین اختلاف نتواند رأی صادره در دادگاه کشور مقابل را اجرا کند. شاید با توجه به قدمت ماده ۹۷۱ قانون مدنی ایران، وضع چنین قاعده‌ای در آن دوران منطقی بوده، زیرا در آن دوران حاکمیت دولت‌ها مبنای فلسفی وضع قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی بوده است؛ بنابراین، عدم پذیرش ایراد امر مطروحه امری بدیهی تلقی می‌شد و رویکرد قانون‌گذار ایران در زمان وضع این ماده با بسیاری از نظام‌های حقوقی دیگر مشابه بود. اما امروز این رویکرد با رویکرد دیگر کشورها و تحولات حاصل در عرصه بین‌المللی سازگار نیست.<sup>۲</sup> امروزه، در وضع قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی حمایت از منافع اشخاص بیشتر مورد توجه است و در همین راستا تحولات قانون‌گذاری هم صورت گرفته است. برای مثال، طبق ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی ایتالیا مصوب ۱۹۴۰، ایراد امر مطروحه در دعاوی بین‌المللی مورد پذیرش قانون‌گذار نبود، اما با توجه به تحولات حاصل در عرصه بین‌المللی، قانون‌گذار ایتالیا مقتضیات روابط خصوصی بین‌المللی را مدنظر قرار داده و در ماده ۷ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی ایتالیا<sup>۳</sup> مصوب ۱۹۹۵، صراحتاً ایراد امر مطروحه در دعاوی بین‌المللی را پذیرفته است.<sup>۴</sup>

همچنین، با فرض اینکه صلاحیت قضایی بین‌المللی تبلوری از حاکمیت کشور باشد، قرار منع دعوی از این حاکمیت نیز حمایت می‌کند و در نتیجه، قرار منع دعوی صادره از دادگاه ایرانی می‌تواند از حاکمیت ایران حمایت کند؛ با این توضیح که در فرض اقامه دعوی در دادگاه صالح

1. Forum shopping

۲. انصاری، اعظم و کابری، محمدمجد. **ایراد امر مطروحه در دعاوی خصوصی بین‌المللی با نگاهی به حقوق ایران**. مجله حقوق خصوصی، ۱۳۹۸، شماره ۲، ص ۳۱۴.

3. Reform of the Italian System of Private International Law (Law of 31 May 1995, No 218).

۴. انصاری و کابری، پیشین، ص ۳۱۴-۳۰۶.

ایرانی، اگر دادگاه ایران با موردی مواجه شود که مثلاً (الف) خواننده دعوی با هدف عقیم کردن این دعوی اقدام به اقامه دعوی در کشور دیگر کرده و هدفش تنها این بوده است که خواهان دعوی مطرح شده در ایران را آزار دهد و رأی صادره از دادگاه ایران در کشور محل اقامه دعوی دوم شناسایی و اجرا نشود یا (ب) طرفین بر صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران برای رسیدگی به اختلاف توافق کردند، اما یکی از طرفین، توافق مزبور را نقض و در دادگاه کشور دیگر که بیشتر منافع او را تأمین می‌کند، دعوی را اقامه کرده یا (ج) دادگاه ایران صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به دعوا دارد، اما یکی از طرفین اختلاف، دعوی را در دادگاه کشور دیگری مطرح کرده است، اگر صلاحیت قضایی بین‌المللی تبلوری از حاکمیت کشور باشد، آیا در موارد پیش‌گفته به حاکمیت ایران تجاوز نشده است؟ در تمام این موارد اگر دادگاه ایران علیه طرف دعوی در دادگاه خارجی، قرار منع دعوی صادر کند تا او را از اقامه یا پیگیری دعوی در کشور خارجی منع کند، آیا از حاکمیت کشور خود حمایت نمی‌کند؟ همچنین، قرار منع دعوی از دادرسی موازی و عواقب نامطلوب آن جلوگیری می‌کند. دادرسی موازی مشکلی جدی و مشهود در مباحث بین‌الملل خصوصی در دوران معاصر است. بروز دادرسی موازی گاهی منجر به این می‌شود که هیچ‌کدام از طرفین اختلاف به نتیجه نرسد و نتواند رأی صادره به نفع خود را در دادگاه کشور مقابل اجرا کند. با چنین پدیده نامطلوبی باید مبارزه کرد، زیرا هدف از وضع قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی حمایت از حقوق اشخاص در ماورای مرزهاست که نادیده گرفتن دعوی موازی مطرح شده در کشور دیگر این هدف را ناکام می‌گذارد. در حال حاضر، باید از دخالت مفاهیمی مانند حاکمیت کشور در روابط خصوصی بین‌المللی خودداری شود و رویکرد حقوق ایران در خصوص قرار منع دعوی باید با توجه به منافع افراد در عرصه بین‌المللی و مزایای این قرار مشخص شود.

با توجه به مزایای قرار منع دعوی و ناکارآمدی ناشی از تفسیر پیش‌گفته از ماده ۹۷۱ قانون مدنی، می‌توان به گونه دیگری به این ماده نگریست؛ با این توضیح که ماده مذکور تنها به این نکته اشاره دارد که اگر دادگاه ایران، خود را صالح به رسیدگی به دعوا دانست، توجهی به صلاحیت دادگاه خارجی ندارد و بر صلاحیت خود اصرار می‌ورزد. بنابراین، صدور قرار منع اقامه دعوا، در راستای این ماده و تأیید صلاحیت دادگاه ایرانی است. به عبارت دیگر، وقتی دادگاه

ایران، صلاحیت دادگاه خارجی را مانع صلاحیت خود نمی‌بیند، منطقی است که صدور قرار منع اقامه دعوا، هم‌سو با حکم ماده ۹۷۱ قانون مدنی باشد. از این رو، می‌توان گفت حداقل در موردی که دادگاه ایران صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به اختلاف دارد (خواه صلاحیت انحصاری بر مبنای حکم قانون باشد یا بر مبنای توافق طرفین بر صلاحیت دادگاه‌های ایران) نباید ماده ۹۷۱ قانون مدنی را مانع صدور قرار منع دعوی دانست و دادگاه‌های ایران باید بتوانند از صلاحیت انحصاری خود دفاع کنند. همچنین، از مواد ۳۱۰، ۳۱۵ و ۳۱۶<sup>۱</sup> قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی در باب دستور موقت، می‌توان امکان صدور قرار منع اقامه دعوا را استنباط کرد. توضیح اینکه هرچند رویه قضایی و عادت تفسیری دکتین، به دلیل وضع موجود و عدم طرح چنین درخواست‌هایی در محاکم بر این بوده که مصادیق دستور موقت را در اموری مانند عدم انتقال ملک، عدم انجام کار مشخص، ادامه کار و نظایر آن‌ها در روابط داخلی بدانند، ولی متن مواد و ظرفیت حقوقی آن، هرگز در چنین مصادیقی محصور نیست و دلیلی هم ندارد متن را همیشه منبعت از نویسنده بدانیم یا بر اساس رویکرد تاریخی عمل کنیم و به زمان تشریح قانون و مصادیق شایع آن برگردیم. اساساً تفسیر تاریخی اگر به معنای محصور شدن در مصادیق پیشین و عدم تحرک رویه قضایی باشد، جز اینکه مانع توسعه حقوق می‌شود، نتیجه‌ای ندارد. نوشته مقنن، بعد از تصویب، از او مستقل می‌شود و همانند هر پدیده حقوقی باید بر اساس عرف رایج و نیازهای موجود تفسیر شود. یکی از فلاسفه در بحث نقد ادبی، با این شیوه که باید به نظر «مؤلف» متن پی برد، به شدت مخالف است و از اصطلاح «مرگ مؤلف» یاد می‌کند. به باور او، از میان «نویسنده»، «متن» و «خواننده»، باید به دو مورد اخیر «متن و خواننده» توجه کرد و در این میان نیز تقدم با «متن» است.<sup>۲</sup> بدین‌سان، هرچند صراحتی در صدور قرار منع اقامه دعوی وجود ندارد، ممنوعیتی صریح نیز برای آن نیست و اطلاق و عموم مقررات مربوط به دستور موقت، از جمله عبارت «منع از امری» مذکور در ماده ۳۱۶ قانون پیش‌گفته، با رعایت شرایطی مانند آنچه در باب توافق طرفین برای تعیین دادگاه و قصد آزار بیان شد، صدور چنین قرار را

۱. ماده ۳۱۰: «در اموری که تعیین تکلیف آن فوریت دارد، دادگاه به درخواست ذی‌نفع برابر مواد زیر دستور موقت صادر می‌کند». ماده ۳۱۵: «تشخیص فوری بودن موضوع درخواست با دادگاهی می‌باشد که صلاحیت رسیدگی به درخواست را دارد». ماده ۳۱۶: «دستور موقت ممکن است دایر بر توقیف مال یا انجام عمل یا منع از امری باشد».

2. Barthes, R, *The Death of the Author*, London, Fontana Publication, 1977, p. 143.

تجویز می‌کند. به بیان دیگر، به نظر می‌رسد تعریف ماده ۳۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی از دستور موقت «منع از امری»، بر چنین اقدامی (صدور قرار منع دعوی) صادق است، زیرا هم جهت معقول دارد و هم خطاب به طرفی است که دعوی موازی اقامه کرده یا قصد اقامه آن را دارد، بدون اینکه با حاکمیت کشور خارجی مخالفت کرده باشد. البته، برای اینکه قرار منع دعوی مؤثر باشد، باید ضمانت اجرا برای عدم متابعت از آن پیش‌بینی شده باشد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که محاکم ایران همراه با صدور قرار منع دعوی در قالب دستور موقت، ضمانت اجرای عدم متابعت از آن را به صورت جریمه نقدی تعیین کنند. در خصوص ضمانت اجرای تعیین جریمه نقدی برای اجرای دستور دادگاه می‌توان به تبصره ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ استناد کرد که مقرر می‌دارد: «در صورتی که انجام عمل توسط شخص دیگری ممکن نباشد، مطابق ماده ۷۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی انجام خواهد شد» و ماده ۷۲۹ مذکور بیان می‌دارد: «در موردی که موضوع تعهد عملی است که انجام آن جز بوسیله شخص متعهد ممکن نیست، دادگاه می‌تواند بدرخواست متعهدله در حکم راجع باصل دعوی یا پس از صدور حکم مدت و مبلغی را معین نماید که اگر محکوم‌علیه مدلول حکم قطعی را در آن مدت اجرا نکند، مبلغ مزبور را برای هر روز تأخیر به محکوم‌له بپردازد». هر چند تبصره ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی به ماده ۷۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ (منسوخ) ارجاع داده است، ولی در واقع حکم آن ماده در تبصره مذکور تکرار شده است و مستقل از ماده ۷۲۹ تلقی می‌شود.<sup>۱</sup> بنابراین، در اموری که مباشرت شخص در آن شرط است، به این جهت که منطقیاً هر قاعده‌ای باید ضمانت اجرایی داشته باشد، تفسیر تبصره مذکور و استفاده از آن برای چنین دستوری (قرار منع دعوی) بایسته است. در هر حال، باید اذعان کرد این ضمانت اجرا تنها زمانی مؤثر خواهد بود که مخاطب قرار منع دعوی اموالی در ایران داشته باشد تا در صورت عدم متابعت از قرار منع صادره از سوی دادگاه ایران بتوان مبلغ جریمه نقدی تعیین‌شده را از محل این اموال به دست آورد.

۱. در خصوص دیدگاه طرفدار عدم نسخ قاعده مندرج در ماده ۷۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ رجوع کنید به: خدابخشی، عبدالله، **تمایز بنیادین حقوق مدنی و حقوق کیفری**، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۸، ص ۱۶۵.

## نتیجه گیری

قرار منع دعوی برای مقابله با دادرسی موازی و نتایج نامطلوب آن از سوی دادگاه‌های کشورهای خانواده حقوقی کامن‌لا استفاده می‌شود. دادگاه‌های کامن‌لا با ادعای اینکه مخاطب قرار منع دعوی، خواهان دعوی است که با سوءنیت و با هدف آزار طرف مقابل در دادگاه خارجی دعوی موازی مطرح کرده و دادگاه خارجی نیست، صدور این قرار را توجیه می‌کنند. حتی اگر چنین ادعایی پذیرفته شود، برخی آثار نامطلوب این قرار انکارناپذیر است و منجر به این می‌شود که طرف دعوی نتواند در دادگاه خارجی دعوی خود را اقامه کند و اگر آن را اقامه کرده باشد، به‌ناچار باید آن را رها کند. دخالت چنین قرار در رسیدگی دادگاه خارجی و تجاوز به صلاحیت آن آشکار است، لذا کشورهای خانواده حقوقی رومی ژرمنی صدور قرار منع دعوی را مخالف با نزاکت بین‌المللی می‌دانند و با شک و تردید به این‌گونه قرارها می‌نگرند. البته، در سال‌های اخیر تغییر رویکرد در این زمینه در برخی نظام‌های حقوقی رخ داده است. مقاله حاضر رویکرد برخی از نظام‌های حقوقی را در این زمینه بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، بر مبنای اعتماد متقابل میان کشورهای عضو این اتحادیه، دادگاه یک کشور عضو مجاز نیست قرار منع دعوی علیه طرف دعوی در دادگاه کشور عضو دیگر صادر کند. البته، نظام حقوقی اتحادیه اروپا، دادگاه‌های کشورهای عضو اتحادیه را از صدور قرار منع دعوی علیه طرف دعوی در دادگاه کشور ثالث منع نمی‌کند. در حقوق چین، برخی دادگاه‌های چینی به‌صورت جسورانه و حتی بدون مستند قانونی صریح، قرار منع دعوی صادر کرده‌اند. به نظر می‌رسد دادگاه‌های چین قرار منع دعوی را ابزار مؤثری برای دفاع از صلاحیت خود می‌دانند. همچنین با توجه به حجم مبادلات تجاری زیاد شرکت‌های چینی در عرصه بین‌المللی، به‌ویژه در حوزه تلفن همراه و رایانه و صنایع مرتبط و تلاش چین برای افزایش این مبادلات، بدیهی است که بروز اختلافات تجاری میان این شرکت‌ها و طرف دعوی خارجی بسیار محتمل است و امکان صدور چنین قرار از دادگاه‌های چین می‌تواند در مواردی در جهت حمایت از فعالان تجاری چینی باشد. همچنین به نظر می‌رسد دادگاه‌های چینی به این امر واقف هستند که حتی اگر دادگاه‌های چین قرار منع دعوی صادر نکنند، تضمینی برای عدم صدور چنین قرار از سوی دادگاه‌های سایر کشورها نیست. در هر حال، به نظر می‌رسد صدور قرار منع دعوی از سوی دادگاه‌های چین

احتمال صدور قرار منع دعوی را از سوی سایر کشورها در آینده افزایش می‌دهد. در حقوق ایران، امکان صدور قرار منع دعوی از سوی دادگاه‌های ایران به‌صراحت پیش‌بینی نشده است. مقاله حاضر دو تفسیر متفاوت از ماده ۹۷۱ قانون مدنی ارائه کرد: طبق تفسیر اول، مادام که دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به اختلاف را دارند، آن‌ها موظف هستند به رسیدگی خود ادامه دهند و دعوای موازی را نادیده بگیرند؛ تفسیر دوم که از این ماده ارائه شده، این است که وقتی دادگاه ایران طبق ماده مذکور، صلاحیت دادگاه خارجی را مانع خود نمی‌بیند، منطقی است که صدور قرار منع اقامه دعوا در راستای این ماده و تأیید صلاحیت دادگاه ایرانی است. با صدور قرار منع دعوی، دادگاه ایران از صلاحیت خود برای رسیدگی به دعوا دفاع می‌کند و برای تضمین آینده رأی صادره، از دادرسی موازی جلوگیری می‌کند. به نظر، تفسیر اخیر به مصلحت نزدیک‌تر است؛ چراکه صدور قرار منع دعوی از سوی دادگاه‌های ایران می‌تواند به دادگاه خارجی که دعوای موازی در آن مطرح شده نشان دهد که طرح دعوی در دادگاه خارجی با نقض توافق انحصاری انتخاب دادگاه‌های ایران بوده یا در اصل طبق قانون ایران دادگاه‌های ایران صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به اختلاف دارند. با صدور چنین قرار، دادگاه خارجی ممکن است متقاعد شود که رأیی که در این دعوا صادر خواهد کرد، به دلیل انحصاری بودن صلاحیت دادگاه‌های ایران، در ایران شناسایی و اجرا نخواهد شد و لذا از صلاحیت خود عدول کند و از رسیدگی به دعوا صرف‌نظر کند. از سوی دیگر، رأی نهایی صادره از دادگاه ایران در موضوع اختلاف، در آن دادگاه خارجی قابل شناسایی و اجرا خواهد بود.



## منابع

## الف) منابع فارسی

۱. انصاری، اعظم و کابری، محمدمجد. ایراد امر مطروحه در دعاوی خصوصی بین‌المللی با نگاهی به حقوق ایران. مجله حقوق خصوصی، ۱۳۹۸، شماره ۲، صص ۳۰۱-۳۲۱.
۲. خدابخشی، عبدالله، تمایز بنیادین حقوق مدنی و حقوق کیفری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۸.
۳. سربازیان، مجید؛ هاشمی، سیدرضا و صالحی، مذکور. (۱۳۹۸). آثار صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا در داوری تجاری بین‌المللی. مجله حقوق خصوصی، ۱۳۹۸، شماره ۲، صص ۳۸۹-۴۱۱.
۴. سربازیان، مجید؛ هاشمی، سیدرضا و صالحی، مذکور. قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا صادره از دادگاه‌های ملی در داوری تجاری بین‌المللی. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۱۳۹۸، شماره ۲۶، صص ۲۱۲-۱۸۵.
۵. شیروی، عبدالحسین. حقوق تطبیقی (ویراست دوم). تهران: سمت، ۱۳۹۴.
۶. مقصودی، رضا. دادرسی موازی در دعاوی بین‌المللی. مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۳۹۳، شماره ۲، صص ۶۰۲-۵۸۱.
۷. مقصودی، رضا. موانع اعمال صلاحیت در حقوق بین‌الملل خصوصی. حقوق خصوصی، ۱۳۹۱، شماره اول. صص ۱۲۶-۹۷.

## ب) منابع انگلیسی

8. Ambrose, C. "Can Anti-Suit Injunctions Survive European Community Law?", *International and Comparative Law Quarterly*, 52 (2003).
9. Ansari, A & Kabry, M M. "Lis Pendens in Private International Disputes by Looking at Iranian Law", *Private Law*, 2 (2019). (In Persian)
10. Barthes, R. *The Death of the Author*, London: Fontana Publication, 1977.

11. Buonaiuti, F M. "Lis Alibi Pendens and Related Actions in Civil and Commercial Matters Within the European Judicial Area". *Yearbook of Private International Law*, 11 (2009).
12. Contreras, J. and Eixenberger, M. The Anti-Suit Injunction – a Transnational Remedy for Multi-Jurisdictional Sep Litigation. *Cambridge Handbook of Technical Standardization Law - Patent, Antitrust and Competition Law*, University of Utah College of Law Research Paper No. 209, 2017.
13. Douglas, M. "Anti-Suit Injunctions in Australia". *Melbourne University Law Review* (advance), 41 (2017).
14. Dowers, N. "The Anti-Suit Injunction and the EU: Legal Tradition and Europeanisation in International Private Law". *Cambridge Journal of International and Comparative Law*, 2 (2013).
15. Fisher, G. "Anti-Suit Injunctions to Restrain Foreign Proceedings in Breach of an Arbitration Agreement", *Bond Law Review*, 22 (2010).
16. George, J. "International Parallel Litigation - A Survey of Current Conventions and Model Laws". *Texas International Law Journal*, 37 (2002).
17. Khodabakhshi, A. *Fundamental Distinction between Civil Law & Criminal Law*. Tehran: The SD Institute of Law Research & Study, 2019. (In Persian)
18. Kruger, T. "The Anti-Suit Injunction in European Judicial Space: Turner v Grovit", *International and Comparative Law Quarterly*, 53 (2004).
19. Keyes, M. *Optional Choice of Court Agreements in Private International Law*. Switzerland: Springer International Publishing, 2020.
20. Maghsoudi, R. "Parallel Litigation in International Proceedings", *Comparative Law Review*, 2 (2014). (In Persian)
21. Maghsoudi, R. "The Decline of Jurisdiction in Private International Law", *Private Law*, 1(2012). (In Persian)
22. McLachlan, C. *Lis Pendens in International Litigation*. Leiden/Boston: MartinusNijhoff Publishers, 2009.
23. Sarbazian, M, Hashemi, S R. & Salehi, M. "Effects of Anti-Suit Injunction in International Commercial Arbitration", *Private Law*, 2 (2019). (In Persian)
24. Sarbazian, M, Hashemi, S R. & Salehi, M. "anti-suit injunction issued from national courts in international commercial arbitration", *Private Law Research*, 26 (2019). (In Persian)

25. Shiravi, A. *Comparative Law*. Second Edition, Tehran: Samt, 2015. (In Persian)
26. Tang, Z. S. *Jurisdiction and Arbitration Agreements in International Commercial Law*. New York: Routledge, 2014.
27. Vertigan, E. K. "Foreign Antisuit Injunctions: Taking a Lesson from the Act of State Doctrine", *The George Washington Law Review*, 76 (2007).
28. Wilson, E. M, "Let Go of that Case - British Anti-Suit Injunctions against Brussels Convention Members", *Cornell International Law Journal*, 36 (2003).

## منابع الکترونیکی

29. Mundi, J. **Anti-suit injunctions after Brexit**, 2021. available at: <https://blog.jusmundi.com/anti-suit-injunctions-after-brexite/>, last visited 17 June 2022.
30. Riehn, C; Schubert, A; Mewes, L. 2017. **The Enforcement of Jurisdiction after Brexit**, 2017. available at: <http://cutt.us/FS48k>, last visited 17 June 2022.
31. Stacher, M. **International Antisuit Injunctions: Enjoining Foreign Litigations and Arbitrations - Beholding the System from Outside**, Cornell Law School Graduate Student Papers, 2005. available at: [https://scholarship.law.cornell.edu/lps\\_papers/8](https://scholarship.law.cornell.edu/lps_papers/8), last visited 17 June 2022.
32. Tang, Z S. **Anti-Suit Injunction Issued in China: Comity, Pragmatism and Rule of Law**, 2020. available at: <https://conflictoflaws.net/2020/anti-suit-injunction-issued-in-china-comity-pragmatism-and-rule-of-law/>, last visited 17 June 2022.
33. Teitz, L E. **Both Sides of the Coin: A Decade of Parallel Proceedings and Enforcement of Foreign Judgments in Transnational Litigation**, *Roger Williams University Law Review*, 2004, available at: <https://ssrn.com/abstract=3592497>, last visited 17 June 2022.

